

#### پشت بوم

#### یوسف گمگشته هنر



حسین هاشم‌پور

● کسی خبر دارد حال دانشجوی دختر رشته نوازندگی چطور است؟ سی‌ام دی ۱۳۹۳ در همین ستون در قالب هشت پرسش از لغوکنندگان کنسرت‌ها، این سؤال را مطرح کردیم؛ هنگامی که بانوی نوازنده از روی صحنه اجرا، پیش چشم مردم به پایین کشیده شد و اجازه نیافت از ابتدایی‌ترین حق قانونی خود بهره‌مند شود، «شرق» در همین صفحه خبر داد ممنوعیت ورود نوازندگان زن به چهار استان اصفهان، یزد، آذربایجان شرقی و خراسان‌رضوی نهاده‌ینه شده است. یک - دلمان خوش بود وقتی وزیر فرهنگ در اظهارنظری کم‌سابقه خبر داد: «همه لغو کنسرت‌ها برعهده نیروی انتظامی نبود، بعضی از جاها انیمه‌جمعه مخالفت کرده‌اند و در پی آن، عناصر مذهبی جلو برگزاری کنسرت را گرفته‌اند، در بعضی از جاها قوه قضائیه جلوگیری کرده است.»، چند قدم به پیش برداشته‌ایم، حتما پس از این شفاف‌سازی مجموعه‌ای از تدابیر شامل گفت‌وگو، رایزنی، بخش‌نامه و حتی ارائه لایحه به مجلس در دستور کار قرار می‌گیرد که بر این درد کهنه، دارویی امیدبخش تجویز نشود، اما گویا در عمل دل‌خواسته دل‌وایسان در جریان است.

دو - ۳۳ دی ۹۳ همین ستون طرح نمادین رفتارندوم هنری را پیشنهاد داد، زیرا می‌شنید نسل نو آمده حوصله «یوسف گمگشته باز آید، غم مخور» را ندارد، می‌پندارد عمر دوزوره پرشتاب می‌گذرد و اجرای قانونمند کنسرت، پیش‌باافتاده‌ترین حقی است که نباید برای آن موی سپید کرد.

سه- تجربه انتخابات اخیر در تهران نشانی یوسف گمگشته هنر را هم داد: بیکانه راه استیفای حقوق اهل هنر هم‌گرایی است، حتی اگر همیشه اختلاف سلیقه هنرمندان در بوق باشد، حتی اگر دوست‌دارانشان خون دل می‌خورند که چرا هنرمندان همدل نمی‌شوند، یا به گواه هفتم بهمین ۹۳ همین ستون با تلخکامی پذیرفته باشیم «دو هنرمند در اقلیمی نگنجند». راه برون‌رفت از تحدیدهای فضای هنری، وحدت و پیگیری مُصرانه و همگانی مطالبات از مجاری قانونی است. نباید اجازه داد چنان بدعت‌هایی دیگر عزیز را در مجامع بین‌المللی انگشت‌نما کند. دیگر اینکه نهاده‌ینه‌شدن این محدودیت‌ها میراث ناپسندی برای آیندگان خواهد بود. در این راه به‌جتم دولت با کمک به نهادسازی و تقویت صنوف هنری می‌تواند بهترین بستر را فراهم آورد؛ به‌ویژه که مجلس دهم امیدهای تازه‌ای را به دوست‌داران فرهنگ و هنر نوید داده است.

#### پیشهاد روز

### انتشار کتاب مجابی پس از ۲ دهه



● شرق: کتاب «نود سال نوآوری در هنرهای تجسمی ایران» به قلم جواد مجابی توسط نشر پیکره منتشر شد. این کتاب دوجلدی تاریخ تحلیلی نقاشی و مجسمه‌سازی ایران از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۹۰ را شامل می‌شود و درواقع تمام تحولات تاریخی نقاشی جدید ایران را در این فاصله ۹۰ساله مطرح کرده است. تقریباً نام تمام کسانی که در هنر مدرن ایران کار کرده‌اند، در این کتاب آمده و درباره بیش از ۱۱۵ سال نقاش و مجسمه‌ساز ایرانی در این کتاب شرح حال نوشته شده و مجابی به تحلیل و بررسی آثارشان پرداخته است. نگارش این کتاب از سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۷۰ طول کشیده و به گفته مجابی از سال ۷۰ آمده انتشار بوده؛ ولی به دلایلی تا امروز انتشار آن به تعویق افتاده. مجابی می‌گوید: «این کتاب روایت بصری من از تماشای نمایشگاه‌ها و بی‌بنال‌های ایران از دهه ۴۰ تا امروز است».

### «حیرانی» پس از ۱۲ سال آمد



● شرق: رمان «حیرانی» به قلم محمدعلی سجاد ی - فیلم ساز ، نویسنده و نقاش - پس از ۱۲ سال توقیف، سرانجام توسط نشر ققنوس منتشر شد و هم‌اکنون در نمایشگاه کتاب تهران در دسترس است. سجادی درباره این رمان می‌گوید: «این رمان با ساختار مولودرام خلی تجربه‌ای است که بعدها در رمان «با نوشته کشتن» تکرار شد. ساختاری الهام‌گرفته‌شده از اساطیر ایرانی، شاکله این رمان را تشکیل می‌دهد. بن‌مایه «حیرانی» شخصیت سیاحوش است که وقتی به امروز می‌آید، تبدیل به ضداسطوره می‌شود. در سال ۷۳ کتاب اول این رمان منتشر شد و بعد از آن در سال ۸۰ که ویرایش مجدد کردم و کتاب دومی را به آن افزودم و به نشر ققنوس دادم، مدت‌ها در محاق ماند، تا اینکه سرانجام با اصلاحیاتی اکنون مجوز گرفته و منتشر شده است.»

# پیاله بچه‌های دانشگاه امام صادق(ع) را نپذیرفتم

✚ با توجه به اینکه براینده تحلیل‌ها از دومین دوره برگزاری مستقل جشنواره جهانی فجر مثبت بود، آینده این جشنواره را چگونه می‌بینید؟

پیش از هر چیز از توجه و دقت نظرتان تشکر می‌کنم. به نظرم جامعه خبرنگاران آشنا به فرهنگ و هنر، به طور کلی نقش برجسته‌ای در نقد اصولی، بدون غرض، پیشرفت سینما و فرهنگ دارند. قطعا حساب خبرنگاران صاحب فکر و اندیشه در مطبوعات از کارمندان ارگان‌های حزبی جداست؛ اگرچه ارجاع به گذشته را نمی‌پسندم، ولی گاه ناچارم؛ زیرا گاهی تنها در مقام مقایسه می‌توان تحولات را فهم کرد. اگر به سه سال قبل برگردید و وضعیت سینما را از نقطه‌نظر مخاطبان، مشارکت سینماگران، نحوه برگزاری جشنواره فیلم فجر، کیشه سینماها و... با امروز مقایسه کنید، پیشرفت را حس خواهید کرد. کلا دو نگاه در مدیریت سینما وجود دارد؛ یکی اینکه از اهالی سینما و به طور کلی فرهنگ و هنر به‌مثابه ابزاری در دست دولتمردان استفاده می‌شود و برای آنها بالاتر از این حقی هم قائل نیستند. گاهی که قبلا در عرصه‌های مختلف در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شاهدش بودیم. این حاصل نگاه مدیرانی بود که فکر می‌کردند تعهد، دیانت، سوابق و دلسوزی‌شان برای نظام جمهوری اسلامی ایران بیشتر از اهالی سینما، فرهنگ و هنر است. در این نگاه اهالی فرهنگ و هنر جایی در تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و مدیریت پروژه‌های فرهنگی و هنری ندارند؛ بنده این نگاه را نادرست و نوعی خودشیفتگی و خودبزرگ‌پنداری می‌دانم. اما نگاه دیگری وجود دارد که من هم به آن معتقدم که تعهد و دلسوزی اهالی سینمای ایران برای کشور، انقلاب و نظام و علاقه‌شان به اعتلای فرهنگ و هنر ایران‌زمین از ما، نه‌تنها کمتر نیست، بلکه در مواردی بیشتر هم هست. خیلی از بزرگان سینما موقعیت‌های بسیار خوبی برای زندگی بی‌حاشیه در بهترین کشورهای دنیا را داشتند و دارند، ولی بودن در ایران و خدمت به فرهنگ و هنر را به آسایش و رفاه ترجیح دادند. نشستن روی صندلی ریاست چیزی را تغییر نمی‌دهد. ما مدیران می‌آییم و می‌رویم. برای مدیران صندلی‌های سینما یک موقعیت است، ولی برای سینماگر، سینما همه زندگی اوست و طبیعی است که دلسوتر از هر مدیری باشد. اگر به سوابق بعضی مدیران نگاه کنید، می‌بینید چونی رو صندلی صدارت نشسته‌اند، مدعی‌اند باید اهالی فرهنگ و هنر در خدمت‌شان باشند. آنها باید حکم دهند و بقیه اطاعت کنند؛ اما مجموعه سازمان سینمایی فعلی معتقد است کارها باید به دست اهالش سپرده شود. اتفاقی که در دو جشنواره اخیر؛ جشنواره ملی و جشنواره جهانی فیلم افتاد حاصل این باور قلبی است. اینکه خانه را باید به دست صاحبخانه سپرد. ما مستاجریم، نه صاحب این خانه زیبا و باشکوه.

✚ برچه اساسی به افرادی همچون حیدری و میرکرمی اعتماد کردید؟
گمان می‌کنم هم محمد حیدری و هم سیدرضا میرکرمی در عمل به این پرسش پاسخ دادند. دو جشنواره باشکوه و کم‌ظنیر را اجرا کردند. هر دو دبیر، خوش‌فکر با انرژی و معتمد اهالی سینما هستند.

✚ اما برخی معتقدند مسئولیت‌های متعدد آقای میرکرمی در کسوت مدیرعامل خانه سینما، دبیر آینده جشنواره جهانی فیلم فجر و اشتغال در امر فیلم‌سازی باعث می‌شود از یک‌سو کارها فقط به یک جریان فکری سپرده شود و از سوی دیگر، روی کیفیت برگزاری جشنواره تأثیر می‌گذارد.

شما سال‌هاست که فعال مطبوعاتی هستید و با سینما به‌خوبی آشنایی‌د. هیچ انتخابی با موافقت صددرصدی همراه نخواهد بود. به‌رحال هر صنفی درون خودش دسته‌بندی‌ها و مسائل خودش را دارد. انتخاب از درون یک صنف، حتما با مخالفت عده‌ای روبه‌رو خواهد شد، ولی نتیجه برای اهل صنف، حتی مخالفان هم رضایت‌بخش خواهد بود. برگزاری جشنواره‌ای باشکوه و جهانی سودش برای همه سینماست، حتی برای مخالفان آقای میرکرمی، چه به این موقعیت‌ها اعتراف بکنند یا نکنند. خلاصه همه سوار یکی کشتی‌اند. وقتی کشتی به ساحل نجات برسد، منتقد و غیرمنتقد، موافق و مخالف همه به ساحل امن رسیده‌اند.

✚ در کشورهای توسعه‌یافته، اداره امور هنری و فرهنگی را به مدیران متخصص و کاردان می‌سپارند و فارغ از اینکه کدام حزب سیاسی در انتخابات ریاست‌جمهوری پیروز می‌شود، به کارشان ادامه می‌دهند؛ مثلا مدیر موزه «لوور»، ۲۰ سال در پست حساس خود می‌ماند یا سال‌ها رئیس جشنواره فیلم «کن» یک نفر است. چرا چنین نگاهی در فرهنگ و هنر ما وجود ندارد؟

امیدوارم ما هم به این پختگی برسیم و مدیریت فرهنگی را از مدیریت حزبی و سیاسی جدا کنیم. ✚ یکی از مشکلات این دوره جشنواره، فضای کوچک پردیس چارسو بود، هر چند دکوراسیون داخلی آن دلپذیر بود. برای رفع این مشکل چه تمهیدی در نظر گرفته‌اید؟

خب واقعا فضا کوچک بود! چون در ایران کاخ

جشنواره نداریم. ساختن کاخ جشنواره از توان بنده

هم بیرون است. باین‌حال مناسب و گرم بود. سالن‌ها

و لابی خوبی داشت. وسط شهر و محیط زندگی مردم

بود و همه ویژگی‌های متناسب جشنواره را هم داشت.

امیدوارم به این نتیجه برسیم که از جشنواره فجر ترسیم

و به استقبالش برویم. بنذیریم جشنواره فیلم فجر، فرزند

حلال‌زاده و خلف نظام جمهوری اسلامی ایران است.

رصدخانه‌ها و تویخانه‌ها را به سمت‌های دیگر نشانه

بگیریم. ✚

باین‌حال هنوز برخی‌ها «دل‌نگران» سینما

#### گفت‌وگو باحجت‌الله ایوبی، رئیس سازمان سینمایی

# پیاله بچه‌های دانشگاه امام صادق(ع) را نپذیرفتم



عکس: امیر-پر-پر-شرق

### فرانک آر‌تا

طبق تجربه‌ای اثبات‌شده همیشه «ناگفته‌ها ی مسئولان فرهنگی، هنری - دست‌کم در حوزه مربوط به ما - بیشتر از گفته‌شده‌ها» یشان است. دلیل ساده‌ای هم دارم. چون بیان هر کلمه‌ای جدا از چارچوب‌های تعیین‌شده در دایره قدرت، قطعا برای مسئول دولتی تبعاتی خواهد داشت، حالا بماند که بیشتر ابعاد چارچوب متغیر هستند! شرایط اما وقتی پیچیده‌تر می‌شود که حرف‌های ناگفته و سوالات بی‌جواب مخاطبان تلنبار و مشمول مرور زمان شده و آنجا که مسئول محترم باید پاسخ‌گو باشد که متأسفانه نبوده‌اند. تنها میراث برجای‌مانده‌شان چیزی جز مطالبات معوقه نیست و صالبته درم‌درس‌های مدیر بعدی را بیشتر می‌کنند. چنین درم‌درس‌هایی گریبانگیر حجت‌الله ایوبی، رئیس سازمان سینمایی، می‌شده است. او که در سه‌سال گذشته سعی کرده به سینما آرامش بدهد و برزخ بی‌اعتمادی را با چاشنی سکوت و امید قابل‌تحمل کرده، حالا سعی می‌کند صریح‌تر صحبت کند. ایوبی این‌بار راحت‌تر توانسته حرفش را بزند. چون معتقد است مردم پشتوانه خوبی برای حرکت‌های فرهنگی - هنری هستند.

زیاد است و همچنان می‌توانند سؤال کنند! بگذریم؛ با این نگاه دولت پیشنهادی برای ساخت کاخ جشنواره ندارد؟
دست‌نایزم را به سوی مردم دراز می‌کنم؛ همان مردمی که سالن‌های «چارسو» و «گورش» را ساختند. امیدوارم برای هنر و سینمایی که به آن باور و دوستش دارند همت کنند و کاخ جشنواره بسازند. بنده هم به عنوان نماینده دولت نهایت همکاری را می‌کنم که چنین امری محقق شود.

✚ ایده فکری می‌کنم ریاست‌جمهوری می‌تواند در این خصوص نقش بسزایی داشته باشد. به‌خصوص که شاهد بودیم با وعده دکتر روحانی و عملکرد دکتر جنتی اگرکسترسفونیک تهران احیا شد. آیا شما پیشنهاد ساخت کاخ جشنواره را نمی‌توانید مطرح کنید؟
من هم امید فراوان دارم که چنین شود. امیدوارم دولت با همه گرفتاری‌هایی که دارد بتواند دراین مسیر کمک کند. یادم می‌آید بعد از حضورم در سازمان سینمایی برای نخستین‌بار که با شما گفت‌وگو می‌کردم، لطف می‌کردید و به من می‌گفتید خوشبین و حتی خوش‌خیال هستی‌د. ولی الان می‌خواهم بگویم خرسندم که این خوشبینی فراگیر شده. دیدید که سینما دوباره برخاست و جان گرفت. اما هم به شما ندید می‌دهم روزهای خوبی در انتظار فرهنگ و هنر ایران است. این را به شما اطمینان می‌دهم حضوری که مردم الان در ساخت‌وساز سالن‌های سینما دارند آینده روشنی را رقم می‌زند.

✚ هر جشنواره درجه الف، مدیر هنری و سفیران قاره‌ای دارد که نمایندگان جشنواره برای کشف استعدادها و انتخاب فیلم‌های جریان‌ساز به کشورهای مختلف سفر می‌کنند؛

برای مثال سال گذشته خانم آنکه،نماینده جشنواره برلین، به ایران آمد و فیلم‌هایی همچون «روبای دم صبح» و «ازداها وارد می‌شود» را انتخاب کرد.آنها به مسائل سینمایی ایران این‌قدر تخصصی و هدفمند نگاه می‌کنند؛ اما چنین نگاهی در کشور خودمان وجود ندارد. دراین‌زمینه جشنواره چه برنامه‌ای دارد؟
صحبت شما کاملا درست است. ما هم در حال انجام همین کاریم. در واقع تا امروز جشنواره بین‌المللی فجر ما دوساله بوده؛ بدون‌تعارف همه می‌دانیم تا به حال چیزی به نام جشنواره بین‌المللی فیلم فجر نداریم. امسال هم شاهد بودید که فجر ایده‌های خوب و نو در این جشنواره نوا اجرا شد. یکی از پروژه‌های فوری ما این است که برای جشنواره‌های مهم دنیا که احتمال می‌دهیم بتوانیم فیلم‌های خوبی در آنجا کشف کنیم، افرادی را آموزش دهیم یا از حرفه‌ای‌ها و آموزش‌دیده‌ها کمک بگیریم و اعزام‌شان کنیم.

✚ آیا مدیران و هنرمندان زن هم همچون مردان مشارکت فعال در این بخش خواهند داشت؟
حتما خواهند داشت.

✚ یعنی امیدوار باشیم که تعداد بانوان به یک نفر

محدود نمی‌شود؟ به عبارت دقیق‌تر زنان به‌مثابه

زینت‌المجالس حضور پیدا نمی‌کنند؟

سعی‌مان را خواهیم کرد. چرا که نه. حضور بانوان

باسواد، فرهیخته و توانا باعث افتخار خواهد بود.

✚ جشنواره‌های الف دنیا زیر نظر «فدراسیون

بین‌المللی انجمن تهیه‌کنندگان فیلم» (FIAPF)

فعالیت می‌کنند. همان‌طور که می‌دانید این

فدراسیون بر کیفیت و کمیت جشنواره‌ها تأثیر

می‌گذارد. از آقای اسفندیاری که چنین سؤالی

را پرسیدیم، گفتند ما نگاه ویژه‌ای به جشنواره

#### زیر آسمان فیروزهای

#### پل فرهنگی ایران ومکزیک

● شرق: سفیر و دو نفر از هیات فرهنگی و ادبی مکزیک امسال به‌مناسبت نمایشگاه بین‌المللی کتاب به تهران آمده‌اند. با احتساب دیگر میهمانان نمایشگاه، پتر اشتام، نویسنده آلمانی و چندی دیگر از هیأت‌های فرهنگی، به نظر می‌رسد امسال بر وجه بین‌المللی نمایشگاه تأکید بیشتری شده است. از مکزیک، اولیسس کانچولا، سفیر مکزیک در تهران و ماریسول شولتس، مدیر نمایشگاه کتاب گوادالخارای مکزیک و کریستوفر دومینگز، منتقد و نویسنده مکزیک، به تهران آمدند و در برنامه‌هایی که در مدت ده روز اقامت در ایران دارند یکی هم دیدار از مرکز فرهنگی شهر کتاب بود. این جمع با جمعی از نویسندگان و مترجمان ایرانی روز یکشنبه، نوزدهم اردیبهشت در شهر کتاب به گفت‌وگو و تبادل‌نظر پرداختند. از دیگر برنامه‌های مهم آنان حضور در نمایشگاه کتاب و گفت‌وگو با نویسندگان و علاقه‌مندان ادبیات مکزیک است. گروه فرهنگی مکزیک روز چهارشنبه، بیست‌ودوم اردیبهشت نیز ساعت شش بعدازظهر در مرکز فرهنگی شهر کتاب حضور دارند تا در جلسه‌ای با اهل فرهنگ ایران تبادل‌نظر کنند. دومینگز در مورد سخنرانی خود در این جلسه گفت، موضوع مشخصی را مدنظر ندارم. حرف بسیار است و باید دید نویسندگان ایرانی چه حرف‌ها یا پرسش‌هایی دارند. اما در نشستی که در شهر کتاب برگزار شد، جمع اندکی از اهل قلم حضور داشتند؛ عبدالله کوثری، مترجم بنام ادبیات آمریکای لاتین، که نام او با آثار ادبی مهم آمریکای‌لاتین گره خورده، او نویسندگان مطرحی چون یوسا، فونتس و دیگران را به فارسی ترجمه کرده و جز آن، نویسندگان ناشناخته مهم ادبیات آمریکای‌لاتین را در منتخبی با عنوان «داستان‌های کوتاه آمریکای‌لاتین» در دو جلد به مخاطب فارسی‌زبان شناسانده است. فریبا وفی، مصطفی مستور، اسداله امرابی، سارا سالار و برخی از مدیران مؤسسه شهر کتاب نیز از حاضران این جلسه بودند. البته در این جلسه بیش از آنکه بحث ادبیات مطرح شود، بحث‌های پیرامون ارتباط فرهنگی دو کشور و چگونگی ترجمه‌شدن آثار در کشورها طرح شد و در آخر طرفین به‌طور ضمنی توافق کردند مقدمات ترجمه مجموعه داستانی از نویسندگان دو کشور و انتشار آن در ایران و مکزیک را فراهم آورند و طبعاً بحث‌های بیشتر در حوزه «ادبیات» ماند برای جلسه روز چهارشنبه در نمایشگاه.



در ابتدای این جلسه علی‌اصغر محمدخانی، معاون فرهنگی و امور بین‌الملل شهرکتاب، پس از ارائه توضیحی در مورد پیشینه و فعالیت‌های شهر کتاب گفت: ارتباط شهر کتاب با جهان اسپانیایی‌زبان تاکنون به خود اسپانیا محدود بوده و ما اکنون خواهان آن هستیم که با سایر کشورهای اسپانیایی‌زبان به‌صورت مستقیم وارد مراودات فرهنگی بشویم. ما در ایران مترجمان اسپانیایی اندکی داریم و بنابراین کتاب‌های اسپانیایی‌زبان بیشتر از زبان‌های واسطه، خاصه انگلیسی ترجمه شده‌اند. او گفت: در کشورهای کلنبیا، برزیل و ونزوئلا کرسی‌های زبان فارسی تأسیس شده‌است، باید دید آیا این کرسی‌ها را می‌توان در مکزیک هم ایجاد کرد. به‌رحال عمده کارهای فرهنگی همیشه با ابتکارات شخصی محقق می‌شود و اگر اراده‌ای قوی برای همکاری باشد، موانع را می‌توان از سر راه برداشت.

لطفاًالله ساغروانی، مدیر هنرس، هم با شرح فعالیت‌های هنرس، خاشر بنده فیلم‌های دوزبانه یادآور شد؛ کتاب‌های دوزبانه را همیشه از زبان اصلی ترجمه می‌کنیم و از زبان واسطه بهره نمی‌بریم. تاکنون کتابی از ادبیات اسپانیایی‌زبان را به‌صورت دوزبانه منتشر نکرده‌ایم که امیدواریم بتوانیم با همکاری شما، از ادبیات مکزیک اثری را در این زمینه منتشر کنیم. عبدالله کوثری، در مورد کریستوفر دومینگز گفت که او از «پاز»شناس است. طرازاول مکزیک است و اثری مهم را در این زمینه دارد و افزود: ادبیات آمریکای‌لاتین چهره جدیدی در آمریختن تاریخ با اسطوره از مهم‌ترین خصایص «رمان» آمریکای‌لاتین محسوب می‌شود. دومینگز گفت، نویسندگان جوان ایران به‌طور مداوم، در مورد قاچاق مواد مخدر و مسائل آن جهانی می‌نویسند. کانچولا، سفیر مکزیک، نیز از مراودات فرهنگی دوسویه گفت: اگر اثری به زبان اسپانیایی ترجمه شود، در چند کشور می‌توان عرضه‌اش کرد. ما دوست داریم جهان، مکزیک را نه از طریق اسپانیا که بلاواسطه بشناسد. شولتس نیز گفت: من مدیر نمایشگاه کتاب گوادالخارا هستم و این نمایشگاه دوست داریم جهان، مکزیک را از طریق اسپانیا می‌خواهیم فعالیت‌هایمان را در سایر زبان‌ها گسترش بدهیم.